

## بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در انتخاب دوره‌های سفالگری توسط هنرآموزان شهر شیراز

مریم رحیمی<sup>۱</sup>، دکتر فتح الله زارع خلیلی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. [Maryamrahimijazeh@gmail.com](mailto:Maryamrahimijazeh@gmail.com)

۲- استادیار گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. [Zarekhalili@shirazu.ac.ir](mailto:Zarekhalili@shirazu.ac.ir)

### خلاصه

**زمینه و هدف:** سفالگری به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین هنرهای سنتی، نقش مهمی در حفظ میراث فرهنگی و توسعه خلاقیت ایفا می‌کند. با این حال، نوع مشارکت افراد در دوره‌های آموزشی این هنر، متأثر از عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و نگرش فردی بر ترجیح افراد نسبت به شرکت در دوره‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت سفالگری در شهر شیراز انجام شد.

**روش تحقیق:** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل هنرآموزان شرکت‌کننده در دوره‌های سفالگری در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در شیراز بود که حجم آن حدود ۲۵۰ نفر برآورد شد. نمونه‌گیری با روش ترکیبی (در دسترس و طبقه‌ای نسبی) انجام شد و ۱۵۰ پرسشنامه سالم به‌عنوان داده نهایی تحلیل شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته ۴۳ سؤالی بود که روایی آن با نظر متخصصان و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۹ تأیید شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و در دو سطح توصیفی و استنباطی (آزمون تی، همبستگی پیرسون و رگرسیون) انجام گرفت.

**یافته‌های پژوهش:** یافته‌ها نشان دادند که سرمایه فرهنگی در سه سطح (تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده) و سرمایه اجتماعی در سه بُعد (خانواده و دوستان، جایگاه اجتماعی هنر، دسترسی به امکانات)، در بین افراد شرکت‌کننده در دوره‌های بلندمدت به‌طور معناداری بالاتر از گروه دوره‌های کوتاه‌مدت بود. همچنین، عامل هزینه نقش مهمی در ترجیح به دوره‌های کوتاه‌مدت داشت. در مقابل، نگرش فردی نسبت به سفالگری در میان دو گروه تفاوت معناداری نداشت و با سایر متغیرها نیز همبستگی نشان نداد.

**بحث و نتیجه‌گیری:** نتایج نشان می‌دهد که انتخاب نوع دوره سفالگری بیش از آنکه تابع نگرش فردی باشد، تحت تأثیر سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و توان اقتصادی افراد است. بنابراین، برای گسترش مشارکت در دوره‌های بلندمدت، باید بر تقویت این سرمایه‌ها، کاهش موانع اقتصادی و طراحی دوره‌های انگیزشی تمرکز شود. این یافته‌ها می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری آموزشی و فرهنگی در حوزه هنرهای سنتی باشد.

**کلمات کلیدی:** سفالگری، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، ترجیح آموزشی، نگرش هنری، آموزش هنرهای سنتی، شیراز.

## ۱. مقدمه

در دنیای معاصر، هنر و آموزش هنری نه تنها به منزله ابزارهایی برای ارتقاء مهارت‌های فردی محسوب می‌شوند، بلکه به‌عنوان یکی از عوامل اساسی در تکوین هویت اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی افراد نیز ایفای نقش می‌کنند. سفالگری، به‌عنوان یکی از هنرهای سنتی و ریشه‌دار ایران، جایگاهی ممتاز در میان دیگر شاخه‌های هنرهای دستی دارد. شهر شیراز، با پیشینه‌ای غنی از تمدن، فرهنگ و هنر، یکی از کانون‌های فعال در آموزش و ترویج این هنر است. با این حال، مشاهده می‌شود که هنرآموزان سفالگری در این شهر، در مواجهه با انتخاب میان دوره‌های کوتاه‌مدت (مانند دوره‌های یک‌روزه) یا بلندمدت، ترجیحات متفاوتی دارند که به نظر می‌رسد تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی گوناگونی باشد [۱-۲].

این تفاوت در انتخاب دوره‌ها می‌تواند ریشه در ساختار طبقاتی جامعه، میزان سرمایه فرهنگی افراد، پیش‌زمینه‌های اجتماعی آنان، دسترسی به منابع حمایتی و حتی انگیزه‌های فردی و خانوادگی برای ورود به عرصه هنر داشته باشد [۳-۴]. پژوهش حاضر در تلاش است با بررسی این عوامل، به درکی عمیق‌تر از رفتار انتخابی هنرآموزان سفالگری در شهر شیراز دست یابد و با استفاده از الگوهای نظری و شواهد تجربی، زمینه‌ساز بهینه‌سازی فرآیندهای آموزشی در این حوزه شود. موضوع ترجیح هنرآموزان به نوع دوره آموزشی تاکنون کمتر از منظر جامعه‌شناختی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است، درحالی‌که آموزش‌های مهارتی به‌طور کلی، هم در عرصه اشتغال و هم در توانمندسازی فردی و اجتماعی، از اهمیت بالایی برخوردارند [۵-۶]. این مسأله به‌ویژه در رشته‌هایی مانند سفالگری که ترکیبی از مهارت فنی، خلاقیت هنری و درک فرهنگی هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد [۷].

مطالعات انجام‌شده در زمینه سرمایه فرهنگی، تأکید دارند که برخورداری افراد از منابع فرهنگی - از جمله تحصیلات، علاقه‌مندی به هنر، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و آشنایی با نمادهای هنری - می‌تواند به‌شدت بر رفتار آموزشی و انتخابی آنان تأثیرگذار باشد [۸-۹، ۴]. در این زمینه، گنجی و صنعتکار [۱۰] نشان می‌دهند که سطح سرمایه فرهنگی در شهروندان کاشان رابطه مستقیمی با میزان مشارکت آنان در دوره‌های هنری دارد. به همین ترتیب، نیومن و همکاران [۲] نیز در پژوهشی کیفی به این نتیجه رسیدند که سرمایه فرهنگی، «ذائقه هنری» افراد را شکل داده و بر نحوه تعامل آنان با انواع هنرهای تجسمی تأثیر می‌گذارد.

از سوی دیگر، مفهوم طبقه اجتماعی نیز یکی از عوامل کلیدی در تحلیل ترجیحات آموزشی است. مطالعات نشان داده‌اند که طبقه اجتماعی می‌تواند بر نوع انگیزه‌های افراد برای مشارکت در فعالیت‌های هنری، سطح دسترسی به منابع آموزشی، و حتی درک آنان از معنای هنر تأثیرگذار باشد [۱۱ و ۱]. به‌عنوان مثال، افراد متعلق به طبقات پایین‌تر ممکن است به دوره‌های کوتاه‌مدت به‌عنوان فرصتی برای کسب مهارت سریع و ورود به بازار کار نگاه کنند، درحالی‌که طبقات متوسط و بالا ممکن است هدف اصلی‌شان ارتقاء خلاقیت، ارضای نیازهای زیباشناختی و رشد فردی باشد [۱۲-۱۳].

پژوهش حاضر همچنین بر آن است تا نقش سرمایه اجتماعی را در کنار سرمایه فرهنگی بررسی کند. به باور بوردیو، سرمایه اجتماعی به‌معنای شبکه روابط و منابعی است که افراد از طریق تعاملات اجتماعی کسب می‌کنند. این سرمایه می‌تواند تسهیل‌کننده دسترسی افراد به دوره‌های آموزشی خاص باشد یا حتی سبب جهت‌دهی به انتخاب‌های آنان شود [۱۴-۱۵]. در این زمینه، پژوهش فاتحی و اخلاصی [۱۳] در شیراز نیز نشان داده است که سطح سرمایه اجتماعی دختران پیش‌دانشگاهی تأثیر مستقیمی بر مشارکت آنان در فعالیت‌های فرهنگی دارد.

در کنار عوامل اجتماعی و فرهنگی، انگیزه‌های شخصی هنرآموزان نیز نقش مهمی در انتخاب نوع دوره دارند. برخی افراد به‌دنبال یادگیری مهارتی نو برای اشتغال یا کارآفرینی هستند، درحالی‌که برخی دیگر انگیزه‌هایی نظیر علاقه شخصی، آرامش روانی یا توسعه فردی دارند [۱۶-۱۷]. حسین‌زاده و همکاران [۱۸] در پژوهشی پیرامون اثربخشی کارورزی، به نقش عوامل روان‌شناختی در اثربخشی دوره‌ها اشاره کرده‌اند؛ عواملی که می‌توانند نوع دوره مطلوب فرد را نیز تعیین کنند.

اثربخشی دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز به‌عنوان یک متغیر میانی در ترجیحات آموزشی قابل بررسی است. برخی پژوهش‌ها بر این باورند که دوره‌های بلندمدت فرصت بیشتری برای تعمیق یادگیری، تعامل با مربی و توسعه خلاقیت فراهم می‌کنند [۲۱-۱۹]. در مقابل، برخی مطالعات نیز مزیت‌هایی مانند فشردگی زمانی، هزینه پایین‌تر و کاربرد سریع مهارت‌ها را از جمله عوامل جذابیت دوره‌های کوتاه‌مدت دانسته‌اند [۲۲ و ۶].

مطالعه ژانگ و همکاران [۲۱] نیز نشان می‌دهد که در طراحی دوره‌های سفالگری در دانشگاه‌ها، بهره‌گیری از منابع بومی و زمینه‌مندسازی آموزش می‌تواند اثربخشی دوره‌ها را افزایش دهد. این یافته با مطالعات داخلی هماهنگ است که تأکید دارند دوره‌هایی که با نیازهای بومی و فرهنگی هماهنگ هستند، بیشترین تأثیر را بر یادگیری و ماندگاری مهارت‌ها دارند [۲۳ و ۱۶].

از منظر نظری، تحلیل ترجیح آموزش با رویکرد شبکه‌های اجتماعی نیز اهمیت دارد. باسو و همکاران [۲۴] با تحلیل شبکه‌های اجتماعی هنری در اروپا نشان داده‌اند که تعاملات میان هنرمندان، جریان‌های معنایی و منابع فرهنگی چگونه انتخاب‌های آموزشی و هنری را شکل می‌دهند. این یافته‌ها با واقعیت هنرآموزی در ایران نیز مطابقت دارد، چراکه بسیاری از هنرآموزان از طریق شبکه‌های غیررسمی، معرفی دوستان یا گروه‌های هنری در شبکه‌های اجتماعی وارد این دوره‌ها می‌شوند.

در نهایت، با توجه به گسترش علاقه به هنرهای سنتی و کاربردی در میان اقشار مختلف جامعه، شناخت عواملی که ممکن است بر ترجیح هنرآموزان برای شرکت در دوره‌های سفالگری تأثیرگذار باشند، اهمیت روزافزونی یافته است. در حال حاضر، دوره‌های آموزشی متنوعی از جمله کارگاه‌های کوتاه‌مدت (یک‌روزه) و دوره‌های بلندمدت در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد، اما هنوز روشن نیست که چه عواملی در تصمیم‌گیری افراد برای انتخاب هر یک از این دو نوع دوره نقش دارند. پرسش اساسی این است که آیا انتخاب نوع دوره تحت تأثیر ویژگی‌های فردی مانند جنسیت، سن، سطح تحصیلات و درآمد قرار می‌گیرد، یا آنکه عوامل فرهنگی و اجتماعی نظیر سرمایه فرهنگی و حمایت‌های محیطی و اجتماعی نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کنند؟ همچنین جای این پرسش وجود دارد که نگرش افراد نسبت به سفالگری تا چه اندازه در این انتخاب مؤثر است، و آیا ممکن است متغیرهایی نظیر انگیزه‌های فردی، تجربه‌های پیشین یا شرایط دسترسی به منابع آموزشی، تعیین‌کننده نوع مشارکت آموزشی باشند؟ این مسائل زمینه‌ساز شکل‌گیری سؤال‌های پژوهش در خصوص نقش و وزن نسبی عوامل اجتماعی و فرهنگی در ترجیح هنرآموزان شهر شیراز نسبت به انتخاب دوره‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت سفالگری هستند.

## ۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری این پژوهش، کلیه هنرآموزانی بودن که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در یکی از دوره‌های آموزش سفالگری - چه کوتاه‌مدت و چه بلندمدت - در مراکز آموزش هنرهای دستی شهر شیراز شرکت کرده‌اند. بر اساس بررسی‌های میدانی اولیه، حدود ۱۰ مرکز آموزشی فعال در زمینه آموزش سفالگری در سطح شهر شیراز شناسایی شدند که به‌طور میانگین، هر مرکز حدود ۲۵ هنرآموز را در هر دوره جذب کردند. بر این اساس، حجم تقریبی جامعه آماری ۲۵۰ نفر برآورد شد. برای تعیین حجم نمونه، با استفاده از جدول مورگان و با در نظر گرفتن سطح خطای ۱۵ درصد، حجم نمونه‌ای معادل ۱۵۰ نفر به‌دست آمد. به‌منظور افزایش دقت و اطمینان از بازگشت پرسشنامه‌های کامل و بدون خطا، تعداد بیشتری پرسشنامه (در حدود ۱۸۰ الی ۲۰۰ نسخه) به‌صورت الکترونیکی در مراکز آموزش سفالگری توزیع شد. نهایتاً ۱۵۰ پرسشنامه سالم، کامل و قابل تحلیل بازگردانده شد و به‌عنوان نمونه نهایی در پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. روش نمونه‌گیری، ترکیبی از روش نمونه‌گیری در دسترس

و نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی بود؛ بدین صورت که از هر مرکز آموزشی، تعداد متناسبی از هنرآموزان بر اساس نسبت جمعیتی آن مرکز به کل جامعه انتخاب شدند تا توزیع مناسبی از هنرآموزان در نمونه لحاظ گردد. برای گردآوری داده‌ها، از یک پرسشنامه محقق‌ساخته ۴۳ سؤالی استفاده شد که بر پایه مطالعات نظری پیشین و پژوهش‌های میدانی تهیه گردید. طراحی پرسش‌ها بر اساس مفاهیم مرتبط با سرمایه فرهنگی، عوامل اجتماعی و ترجیحات آموزشی انجام شد.

پرسشنامه در دو بخش طراحی شده است: اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل جنسیت، سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل، میزان درآمد ماهیانه، ترجیح انتخاب کارگاه‌های کوتاه مدت (یک روزه) یا بلندمدت و اولویت‌بندی مهمترین دلایل این انتخاب بود. بخش دوم شامل مجموعه سؤالات مربوط به ترجیح آموزشی (کوتاه‌مدت یا بلندمدت)، انگیزه‌های هنرجو و برداشت آنان از اثربخشی دوره‌ها.

برای بررسی ابعاد مختلف تأثیرگذار بر مشارکت در دوره‌های سفالگری، مجموعه‌ای از متغیرها در قالب پرسش‌نامه طراحی شده است. این متغیرها شامل نگرش فرد نسبت به سفالگری، هزینه انتخاب دوره، سرمایه فرهنگی در سه سطح (تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده) و عوامل اجتماعی در سه بُعد (تأثیر خانواده و دوستان، جایگاه اجتماعی هنر و دسترسی به امکانات) هستند. برای هر یک از این متغیرها، چندین پرسش مطرح شده و به عنوان نمونه، می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد که به‌خوبی بازتاب‌دهنده محتوای مورد نظر هستند. در بُعد نگرش نسبت به سفالگری، نمونه‌ای از پرسش‌ها به این موضوع می‌پردازد که آیا افراد «سفالگری را راهی برای بیان خلاقیت شخصی» می‌دانند یا نه، که این موضوع نشان‌دهنده نگاه فرد به سفالگری به‌عنوان یک فعالیت معنادار و خلاقانه است. در بخش هزینه انتخاب دوره سفالگری، پرسشی با این مضمون که «هزینه دوره نقش مهمی در انتخاب من دارد» به نقش عامل اقتصادی در تصمیم‌گیری هنری می‌پردازد. سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته از طریق پرسشی مانند «بخشی از اوقات فراغت خود را به فعالیت‌های هنری اختصاص می‌دهم» مورد بررسی قرار گرفته که نشان‌دهنده میزان حضور هنر در سبک زندگی افراد است. در سطح عینیت‌یافته این سرمایه، وجود عناصر هنری در محیط خانوادگی با سؤالی چون «آثار هنری (مثل تابلو، مجسمه، سفال) در خانه ما وجود دارد» سنجیده می‌شود. همچنین در سطح نهادینه‌شده، می‌توان به پرسشی مانند «هنر در زندگی من جایگاه مهمی دارد» اشاره کرد که نشان‌دهنده میزان درونی‌سازی ارزش‌های هنری در زندگی فردی است. در میان عوامل اجتماعی، تأثیر خانواده و دوستان از طریق پرسشی با مضمون «خانواده‌ام از فعالیت هنری من حمایت می‌کنند» قابل بررسی است، که به نقش حمایت‌های عاطفی و اجتماعی نزدیکان در تصمیم‌گیری هنری اشاره دارد. برای سنجش جایگاه اجتماعی هنر نیز می‌توان از پرسشی مانند «از نظر دیگران، هنرمندان دارای پرستیژ اجتماعی هستند» بهره گرفت، که به درک عمومی جامعه از منزلت اجتماعی هنرمندان می‌پردازد. و در نهایت، دسترسی به امکانات آموزشی با طرح سؤالی چون «در نزدیکی محل سکونت من، مراکز آموزش سفالگری وجود دارد» بررسی می‌شود که بُعد زیرساختی مشارکت در هنر را نشان می‌دهد. این سؤالات، ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط با مشارکت در دوره‌های سفالگری را پوشش می‌دهند و مبنای مناسبی برای تحلیل‌های بعدی فراهم می‌سازند.

به منظور اطمینان از روایی محتوایی پرسشنامه، نسخه اولیه آن در اختیار تعدادی از اساتید دانشگاه هنر شیراز قرار گرفت و پس از اخذ نظرات اصلاحی آنان، نسخه نهایی تدوین گردید. برای بررسی پایایی ابزار نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب کلی پایایی برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۹ به‌دست آمد؛ این عدد نشان‌دهنده قابلیت اعتماد مطلوب ابزار اندازه‌گیری بود. در تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، از دو سطح تحلیل توصیفی و استنباطی بهره گرفته شد. در سطح توصیفی، فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای مختلف محاسبه گردید. در سطح استنباطی، با توجه به نوع داده‌ها و فرضیات پژوهش، از آزمون‌های زیر استفاده شد: آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و اجتماعی با نوع ترجیح آموزشی؛ رگرسیون برای پیش‌بینی احتمال انتخاب دوره بلندمدت یا کوتاه‌مدت بر اساس متغیرهای

مستقل اجتماعی-فرهنگی؛ آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین متغیرها بین گروه‌های مختلف جمعیت‌شناختی؛ استفاده شد. داده‌های خام پس از ورود در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و اعمال پیش‌پردازش (نظیر کدگذاری و کنترل خطای داده‌ها)، در قالب جداول و نمودارهای آماری تجزیه و تحلیل شدند. تحلیل‌ها با فرض سطح معناداری ۰/۰۵ انجام گرفت.

### ۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان داد که اکثریت شرکت‌کنندگان را زنان تشکیل دادند (۹۲/۱ درصد) و بیشتر افراد بالای ۳۱ سال بودند (۶۸/۹ درصد). از نظر تحصیلات، بیشترین سهم مربوط به دارندگان کارشناسی (۴۵ درصد) و کارشناسی ارشد (۳۳/۱ درصد) بود. وضعیت تأهل نسبتاً متعادل بوده و ۵۴/۳ درصد متأهل و ۴۵/۷ درصد مجرد هستند. در حوزه شغلی، اکثریت شرکت‌کنندگان به صورت آزاد فعالیت می‌کردند (۵۸/۹ درصد) و پس از آن دانشجوی و کارمند خصوصی بیشترین سهم را داشتند. درآمد ماهیانه بیشتر افراد کمتر از ۱۰ میلیون تومان بود (۴۳ درصد)، در حالی که ۲۷/۲ درصد در بازه ۱۱ تا ۲۰ میلیون تومان قرار داشتند. از نظر انتخاب نوع دوره، اکثریت شرکت‌کنندگان (۶۳/۶ درصد) دوره‌های بلندمدت را ترجیح داده و بقیه (۳۶/۴ درصد) در کارگاه‌های یک‌روزه شرکت کرده بودند. این ترکیب نشان‌دهنده علاقه و انگیزه بیشتر افراد با سطح تحصیلات متوسط به بالا و با سابقه شغلی متنوع برای شرکت در دوره‌های طولانی‌مدت سفالگری بود.

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که بین گروه‌های شرکت‌کننده در کارگاه‌های یک‌روزه و بلندمدت سفالگری، تفاوت معناداری در متغیرهای جنسیت، سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل و درآمد ماهیانه وجود ندارد. ابتدا بر اساس آزمون لویین برای برابری واریانس‌ها، تمامی متغیرها دارای سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ هستند که نشان می‌دهد فرض برابری واریانس‌ها برقرار است و می‌توان از نتایج «برابری واریانس فرض شده» استفاده کرد. در بررسی تفاوت میانگین‌ها، مقدار  $t$  و سطح معناداری برای هر یک از متغیرها به‌طور مشخص نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از تفاوت‌ها به لحاظ آماری معنی‌دار نیستند. برای مثال، تفاوت میانگین جنسیت بین دو گروه با مقدار  $t$  برابر با ۰/۲۳۰- و سطح معناداری ۰/۸۱۸ بسیار غیرمعنادار است و نشان می‌دهد نسبت زنان و مردان در دو نوع دوره تفاوت قابل توجهی ندارد. به همین ترتیب، متغیر سن با  $t$  برابر ۰/۷۱۸ و سطح معناداری برابر ۰/۴۷۴ سطح تحصیلات با  $t$  برابر ۱/۲۱۶ و سطح معناداری برابر ۰/۲۲۶ و سایر متغیرها نیز تفاوت معنی‌داری نداشتند. این نتایج بیانگر آن است که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی شرکت‌کنندگان، شامل جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، نوع شغل و سطح درآمد ماهیانه، در انتخاب نوع دوره سفالگری (کارگاه یک‌روزه یا بلندمدت) تأثیر قابل توجهی نداشته‌اند. به عبارت دیگر، این دو گروه از نظر این مشخصات مشابه بوده و تصمیم به شرکت در دوره‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت به عوامل دیگری وابسته است که در این تحلیل مدنظر قرار نگرفته‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب نوع دوره بیشتر تحت تأثیر عوامل غیرجمعیت‌شناختی یا متغیرهای مرتبط با نگرش، انگیزه یا شرایط فردی است (جدول ۱).

جدول ۱- آزمون مقایسه میانگین

متغیر	انتخاب دوره	میانگین	انحراف معیار	آماره F	سطح معناداری	آماره t	سطح معناداری
جنسیت	یک روزه	۱/۰۷	۰/۲۶	۰/۲۱۴	۰/۶۴۴	-۰/۲۳۰	۰/۸۱۸
	بلندمدت	۱/۰۸	۰/۲۷				
سن	یک روزه	۴/۶۰	۰/۶۸	۱/۵۹۱	۰/۲۰۹	۰/۷۱۸	۰/۴۷۴
	بلندمدت	۴/۵۰	۰/۸۹				
سطح تحصیلات	یک روزه	۳/۲۱	۰/۷۱	۵/۷۱۶	۰/۰۱۸	۱/۲۱۶	۰/۲۲۶
	بلندمدت	۳/۰۲	۱/۰۷				
وضعیت تأهل	یک روزه	۱/۵۰	۰/۵۰	۰/۸۱۵	۰/۳۶۸	-۰/۶۳۱	۰/۵۲۹
	بلندمدت	۱/۵۶	۰/۴۹				
شغل	یک روزه	۴/۱۸	۱/۲۳	۰/۱۰۷	۰/۷۴۴	۰/۴۶۳	۰/۶۴۴
	بلندمدت	۱/۰۸	۱/۲۷				
درآمد ماهیانه	یک روزه	۲/۱۴	۱/۳۷	۰/۱۱۹	۰/۷۳۱	-۰/۰۹۲	۰/۹۲۷
	بلندمدت	۲/۱۶	۱/۳۵				

نتایج آزمون تی مستقل بین دو گروه شرکت‌کننده در کارگاه‌های یک‌روزه و دوره‌های بلندمدت سفالگری نشان‌دهنده تفاوت‌های معنادار در بسیاری از متغیرهای روان‌شناختی و فرهنگی است، هرچند در برخی متغیرها نیز تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. آزمون لوین نشان می‌دهد که در بیشتر موارد فرض برابری واریانس‌ها برقرار نیست (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵)، بنابراین نتایج آزمون‌هایی که در شرایط نابرابری واریانس گزارش شده‌اند باید مورد توجه قرار گیرند. در متغیر نگرش نسبت به سفالگری، اگرچه میانگین نمره افراد شرکت‌کننده در کارگاه‌های یک‌روزه و بلندمدت بسیار نزدیک است، نتایج آزمون (Sig = 0.870) نشان می‌دهد که این تفاوت معنادار نیست و نگرش کلی نسبت به سفالگری میان دو گروه مشابه است. اما در متغیر هزینه انتخاب دوره، تفاوت بسیار معناداری بین دو گروه وجود دارد (Sig = 0.000)، به طوری که میانگین نمره گروه کارگاه‌های بلندمدت به مراتب بالاتر است، که نشان می‌دهد برای این گروه، دغدغه هزینه کمتر بوده یا حاضر به پرداخت هزینه بیشتر هستند.

در سه بُعد سرمایه فرهنگی شامل تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده، اختلاف میانگین‌ها کاملاً معنادار است (همگی با Sig = 0.000). افرادی که در دوره‌های بلندمدت شرکت کرده‌اند نمرات بالاتری در این متغیرها کسب کرده‌اند، که نشان می‌دهد برخورداری از پیشینه فرهنگی هنری (مطالعه، تجربه هنری خانوادگی و محیطی، مشارکت‌های گذشته) در انتخاب دوره‌های بلندمدت نقش مؤثری دارد. در بررسی متغیرهای عوامل اجتماعی نیز، اختلافات معنادار و قابل توجهی مشاهده می‌شود. گروه شرکت‌کننده در دوره‌های بلندمدت به طور معناداری حمایت بیشتری از خانواده و دوستان دریافت می‌کنند، هنر را دارای جایگاه اجتماعی بالاتری می‌دانند، و دسترسی بیشتری به امکانات آموزشی احساس می‌کنند (در همه موارد Sig = 0.000). این یافته‌ها نشان می‌دهد که محیط اجتماعی و دسترسی به زیرساخت‌ها نقش مؤثری در تصمیم‌گیری برای حضور در دوره‌های بلندمدت هنری دارد. در متغیرهای ترکیبی سرمایه فرهنگی کلی و عوامل اجتماعی کلی، نتایج متفاوتی به دست آمده است. اگرچه تفاوت میانگین سرمایه فرهنگی کلی بین دو گروه نسبتاً قابل توجه است، اما از نظر آماری معنادار نیست (Sig = 0.091). در مقابل، تفاوت در نمرات کلی عوامل اجتماعی معنادار بوده (Sig = 0.000)، که اهمیت تأثیر شبکه‌های اجتماعی، نگرش عمومی به هنر و دسترسی به منابع را در انتخاب نوع دوره تقویت می‌کند. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که گرایش به شرکت در دوره‌های بلندمدت سفالگری بیشتر تحت تأثیر سرمایه‌های فرهنگی فرد و شرایط اجتماعی حمایتی

و تسهیل‌گر قرار دارد، در حالی که انتخاب کارگاه‌های کوتاه‌مدت بیشتر به محدودیت‌های مالی و نبود زیرساخت یا انگیزه‌های کوتاه‌مدت مرتبط است. این تفاوت‌ها می‌تواند در طراحی سیاست‌های آموزشی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد (جدول ۲).

جدول ۲- آزمون مقایسه میانگین

متغیر	انتخاب دوره	میانگین	انحراف معیار	آماره F	سطح معناداری	آماره t	سطح معناداری
نگرش نسبت به سفالگری	یک روزه	۱۷/۵۰	۲/۴۳	۰/۶۹۷	۰/۴۰۵	۰/۱۶۴	۰/۸۷۰
	بلندمدت	۱۷/۴۴	۲/۰۵				
هزینه انتخاب دوره	یک روزه	۱۰/۶۰	۱/۷۷	۷/۶۷۷	۰/۰۰۶	-۱۱/۸۶۲	۰/۰۰۱
	بلندمدت	۱۵/۲۸	۲/۵۹				
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	یک روزه	۱۲/۱۸	۲/۸۴	۶/۶۲۳	۰/۰۱۱	-۳/۸۷۷	۰/۰۰۱
	بلندمدت	۱۴/۴۸	۳/۸۳				
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	یک روزه	۱۶/۴۹	۲/۴۱	۶/۷۲۰	۰/۰۱۰	-۵/۸۷۲	۰/۰۰۱
	بلندمدت	۱۹/۵۶	۳/۴۱				
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	یک روزه	۱۳/۲۷	۲/۵۴	۷/۱۶۰	۰/۰۰۸	-۸/۰۲۸	۰/۰۰۱
	بلندمدت	۱۷/۷۸	۳/۶۹				
عوامل اجتماعی خانواده و دوستان	یک روزه	۱۲/۶۵	۱/۵۱	۴/۴۶۲	۰/۰۳۶	-۱۲/۱۰۷	۰/۰۰۱
	بلندمدت	۱۶/۵۱	۲/۰۶				
عوامل اجتماعی جایگاه هنر	یک روزه	۶/۶۰	۱/۹۳	۶/۱۱۴	۰/۰۱۵	-۸/۷۴۸	۰/۰۰۱
	بلندمدت	۱۰/۲۸	۲/۷۵				
عوامل اجتماعی دسترسی به امکانات	یک روزه	۵/۶۵	۱/۷۴	۸/۵۳۸	۰/۰۰۴	-۶/۸۵۴	۰/۰۰۱
	بلندمدت	۸/۳۴	۲/۵۹				
سرمایه فرهنگی کل	یک روزه	۴۹/۷۲	۷/۷۲	۲/۷۲۲	۰/۱۰۱	-۱/۷۰۳	۰/۰۹۱
	بلندمدت	۵۲/۱۵	۸/۸۰				
عوامل اجتماعی کل	یک روزه	۳۰/۷۰	۴/۵۸	۰/۵۱۰	۰/۴۷۶	-۵/۷۳۷	۰/۰۰۱
	بلندمدت	۳۵/۴۷	۵/۰۹				

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از دو گروه «کارگاه‌های یک‌روزه» و «کارگاه‌های بلندمدت»، بین متغیر «نگرش نسبت به سفالگری» و سایر متغیرهای مورد بررسی، همبستگی معناداری مشاهده نمی‌شود. در گروه شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های یک‌روزه، ضرایب همبستگی بین نگرش نسبت به سفالگری با سرمایه فرهنگی (اعم از تجسم‌یافته، عینیت‌یافته، نهادینه‌شده و ترکیبی)، عوامل اجتماعی مختلف (خانواده و دوستان، جایگاه هنر، دسترسی به امکانات) و حتی هزینه انتخاب دوره همگی بسیار ضعیف و بدون معناداری آماری هستند ( $\text{Sig} > 0.05$ ). این موضوع نشان می‌دهد که در میان افرادی که در دوره‌های کوتاه‌مدت شرکت کرده‌اند، نگرش آن‌ها به سفالگری به صورت مستقل از عوامل ساختاری و زمینه‌ای شکل گرفته و تحت تأثیر معنادار این متغیرها قرار ندارد. در گروه شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های بلندمدت نیز همین الگو مشاهده می‌شود و هیچ‌یک از ضرایب همبستگی با متغیر نگرش، معنادار نیستند. اگرچه برخی از ضرایب اندکی قوی‌تر از گروه اول هستند (مانند رابطه با هزینه انتخاب دوره با  $t = 0.153$ )، اما سطح معناداری همچنان بالاتر از  $0.05$  باقی مانده و دلالت بر نبود ارتباط آماری دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «نگرش نسبت به سفالگری» در هر دو گروه، متغیری مستقل است که احتمالاً بیشتر تحت تأثیر عوامل فردی، تجربی یا درونی مانند علاقه شخصی، تجربه زیسته

یا انگیزه‌های ذاتی شکل گرفته است، نه عوامل بیرونی مانند سرمایه فرهنگی یا فشارهای اجتماعی. این یافته می‌تواند اهمیت شناخت ریشه‌های روان‌شناختی یا هویتی نگرش به هنر را برجسته سازد (جدول ۳).

جدول ۳- آزمون همبستگی پیرسون

دوره های یک روزه		دوره های بلندمدت		ارتباط متغیرها
ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
۰/۰۴۴	۰/۷۵۱	۰/۱۵۳	۰/۱۴۲	هزینه انتخاب دوره - نگرش نسبت به سفالگری
-۰/۰۴۶	۰/۷۴۰	۰/۰۳۱	۰/۷۶۹	سرمایه فرهنگی تجسم یافته - نگرش نسبت به سفالگری
۰/۰۲۹	۰/۸۳۳	۰/۰۵۴	۰/۶۰۴	سرمایه فرهنگی عینیت یافته - نگرش نسبت به سفالگری
-۰/۰۷۴	۰/۵۹۳	-۰/۰۸۱	۰/۴۳۱	سرمایه فرهنگی نهادینه شده - نگرش نسبت به سفالگری
-۰/۰۷۲	۰/۶۰۲	-۰/۰۵۰	۰/۶۳۲	عوامل اجتماعی خانواده و دوستان - نگرش نسبت به سفالگری
۰/۰۲۸	۰/۸۳۷	۰/۰۵۲	۰/۶۱۶	عوامل اجتماعی جایگاه هنر - نگرش نسبت به سفالگری
۰/۰۷۷	۰/۵۷۶	-۰/۰۴۹	۰/۶۳۶	عوامل اجتماعی دسترسی به امکانات - نگرش نسبت به سفالگری
-۰/۰۳۴	۰/۸۰۶	۰/۰۳۵	۰/۷۳۹	سرمایه فرهنگی کل - نگرش نسبت به سفالگری
-۰/۰۱۰	۰/۹۴۱	۰/۰۲۳	۰/۸۲۰	عوامل اجتماعی کل - نگرش نسبت به سفالگری

جدول ۴- آزمون رگرسیون خطی

انتخاب دوره	متغیر	بتا غیراستاندارد	بتا استاندارد	آماره t	سطح معناداری
یک روزه	هزینه انتخاب دوره	۰/۱۱۲	۰/۲۲۴	۰/۵۰۰	۰/۶۱۹
	سرمایه فرهنگی تجسم یافته	-۰/۳۸۶	۰/۷۲۲	-۰/۵۳۵	۰/۵۹۶
	سرمایه فرهنگی عینیت یافته	-۰/۱۲۴	۰/۶۳۰	-۰/۱۹۴	۰/۸۴۵
	سرمایه فرهنگی نهادینه شده	-۰/۴۹۵	۰/۷۸۶	-۰/۶۲۹	۰/۵۳۳
	عوامل اجتماعی خانواده و دوستان	۰/۱۲۹	۰/۷۸۳	۰/۱۶۵	۰/۸۷۰
	عوامل اجتماعی جایگاه هنر	۰/۲۹۷	۰/۸۱۳	۰/۳۶۵	۰/۷۱۷
	عوامل اجتماعی دسترسی به امکانات	۰/۳۵۲	۰/۷۸۵	۰/۴۴۸	۰/۶۵۶
	سرمایه فرهنگی کل	۰/۲۹۰	۰/۵۹۳	۰/۴۸۹	۰/۶۲۷
	عوامل اجتماعی کل	-۰/۲۲۷	۰/۵۴۷	-۰/۴۱۵	۰/۶۸۰
بلندمدت	هزینه انتخاب دوره	۰/۲۵۰	۰/۱۱۰	-۲/۲۷۶	۰/۰۲۵
	سرمایه فرهنگی تجسم یافته	-۱/۶۰۵	۰/۹۱۰	-۱/۷۶۴	۰/۰۸۱
	سرمایه فرهنگی عینیت یافته	-۱/۵۵۵	۰/۹۰۴	-۱/۷۲۰	۰/۰۸۹
	سرمایه فرهنگی نهادینه شده	-۱/۷۱۶	۰/۹۲۰	-۱/۸۶۵	۰/۰۶۶
	عوامل اجتماعی خانواده و دوستان	۱/۲۷۶	۱/۰۳۶	۱/۲۳۲	۰/۲۲۲
	عوامل اجتماعی جایگاه هنر	۱/۴۰۶	۱/۰۱۸	۱/۳۸۱	۰/۱۷۱
	عوامل اجتماعی دسترسی به امکانات	۱/۳۶۱	۱/۰۱۹	۱/۳۳۵	۰/۱۸۵
	سرمایه فرهنگی کل	۱/۶۳۹	۰/۹۰۵	۱/۸۱۲	۰/۰۷۴
	عوامل اجتماعی کل	-۱/۳۵۰	۱/۰۱۶	-۱/۳۲۸	۰/۱۸۸
کارگاه‌های یک روزه	Sig=0.989	F=0.228	R <sup>Ad</sup> =0.044	R=0.209	
کارگاه‌های بلندمدت	Sig=0.110	F=1.668	R <sup>Ad</sup> =0.153	R=0.391	

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مدل پیش‌بینی نگرش نسبت به سفالگری بر اساس متغیرهای سرمایه فرهنگی و عوامل اجتماعی برای دوره‌های کارگاه‌های یک‌روزه از قدرت پیش‌بینی پایینی برخوردار است. ضریب تعیین تعدیل‌شده برای این مدل برابر با ۰/۱۴۸- است، که نشان‌دهنده ضعف مدل در تبیین واریانس نگرش نسبت به سفالگری است. همچنین، مقدار سطح معناداری (Sig. = 0.989) در آزمون آنوا برای این مدل بیانگر عدم معناداری آماری مدل است. به عبارتی، هیچ‌یک از متغیرهای مستقل در این مدل اثر معناداری بر نگرش نسبت به سفالگری در دوره‌های یک‌روزه ندارند، که این موضوع در جدول ضرایب نیز مشهود است؛ چرا که هیچ‌یک از متغیرها دارای مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ نیستند.

در مقابل، برای کارگاه‌های بلندمدت مدل تا حدودی بهتر عمل کرده است؛ ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۰۶۱ است که گرچه هنوز پایین است، اما نسبت به مدل قبلی بهبود نشان می‌دهد. آزمون آنوا در این مدل نیز مقدار Sig. = 0.110 دارد که هنوز از نظر آماری معنادار محسوب نمی‌شود، ولی به سطح قابل قبولی نزدیک‌تر است. از میان متغیرها، تنها متغیر «هزینه انتخاب دوره» با مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۲۵ اثر معناداری بر نگرش دارد و سایر متغیرها در سطح ۰/۰۵ معنادار نیستند، اگرچه برخی مانند «سرمایه فرهنگی نهاده‌شده» و «سرمایه فرهنگی کلی» با مقدار سطح معناداری کمتر از ۰.۱ نزدیک به مرز معناداری هستند و می‌توانند در مطالعات آینده مورد توجه بیشتری قرار گیرند. به طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهند که برای تبیین نگرش نسبت به سفالگری در کارگاه‌های بلندمدت، سرمایه فرهنگی و هزینه انتخاب دوره نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند (جدول ۴).

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که سرمایه فرهنگی نقش مؤثری در ترجیح هنرآموزان برای شرکت در دوره‌های بلندمدت سفالگری ایفا می‌کند. افرادی که در این دسته قرار دارند، در ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی از جمله تجسم‌یافته، نهاده‌شده و عینیت‌یافته، سطح بالاتری نسبت به شرکت‌کنندگان دوره‌های یک‌روزه دارند. این مشاهده با یافته‌های پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است؛ چنان‌که رضایی و تشویق [۴] بر نقش آموزش و تجربه هنری در جهت‌گیری افراد به سوی فعالیت‌های فرهنگی و هنری تأکید کرده‌اند. گنجی و صنعتکار [۱۰] نیز در مطالعه‌ای بر بستر شهر کاشان، ارتباط مستقیم سرمایه فرهنگی با مشارکت در فعالیت‌های هنری را مورد تأیید قرار داده‌اند. در این راستا، شباهت موجود میان انتخاب دوره‌های آموزشی در زمینه سفالگری و رفتار مصرف‌کننده در حوزه صنایع‌دستی نیز قابل توجه است. آل‌رضا و خانی قریه‌گی [۸] بر آن‌اند که سرمایه فرهنگی می‌تواند بر انگیزه خرید محصولات هنری اثرگذار باشد؛ با این قیاس می‌توان نتیجه گرفت که همین عامل در تعیین نوع مشارکت آموزشی در هنرهای کاربردی نیز نقش‌آفرینی می‌کند. یافته‌های مطالعه نیومن و همکاران [۲] نیز نشان می‌دهد که هابیتوس افراد که در بستر سرمایه فرهنگی شکل می‌گیرد، بر درک، نگرش و سبک مواجهه آن‌ها با هنر تأثیر مستقیم دارد؛ وضعیتی که در تحلیل کمی این تحقیق نیز به‌وضوح قابل مشاهده است.

در کنار سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی نیز در انتخاب نوع دوره سفالگری نقش قابل‌توجهی دارد. در پژوهش حاضر، سه بعد «حمایت خانواده و دوستان»، «جایگاه اجتماعی هنر در محیط زندگی» و «دسترسی به امکانات» در میان افراد شرکت‌کننده در دوره‌های بلندمدت، به‌طور معناداری بالاتر از گروه دوره‌های یک‌روزه بود. این یافته‌ها با چارچوب نظری سرمایه اجتماعی همخوانی دارد. به‌عنوان نمونه، فاتحی و اخلاصی [۱۳] نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در میان دانش‌آموزان دختر شیراز، موجب افزایش مشارکت فرهنگی و هنری می‌شود. باسو [۱۴] نیز تأکید دارد که شبکه‌های اجتماعی نه‌تنها دسترسی به منابع فرهنگی را تسهیل می‌کنند، بلکه به‌عنوان کاتالیزوری برای انتخاب‌های آموزشی عمل می‌کنند. این نقش تسهیل‌گر، در تحلیل حاضر نیز خود را نشان داده است؛ به‌ویژه آن‌جا که حمایت خانواده و حضور در

محیط‌های فرهنگی موجب تقویت انگیزه برای حضور در دوره‌های بلندمدت شده است. تأکید دایکین و همکاران [۱۵] بر اثرات مثبت حمایت گروهی در فرآیندهای هنری مشارکتی و سلامت روان، نیز مکمل این یافته است، چراکه نشان می‌دهد مشارکت هنری فراتر از یک فعالیت مهارتی، در تعامل با ساختارهای حمایتی اجتماعی رشد می‌یابد.

در این میان، مسئله هزینه و نگرش افراد به آن نیز در انتخاب نوع دوره نقشی تعیین‌کننده دارد. یافته‌های آماری پژوهش نشان دادند که شرکت‌کنندگان در دوره‌های بلندمدت آمادگی بیشتری برای پرداخت هزینه دارند. این امر بیانگر آن است که محدودیت‌های اقتصادی می‌تواند مانعی جدی برای حضور در دوره‌های بلندمدت باشد و در این میان افرادی که از لحاظ مالی در وضعیت بهتری قرار دارند، امکان بیشتری برای تداوم آموزش دارند. این نتیجه با یافته‌های خالدی و رفعتی [۶] همخوان است که اظهار داشته‌اند دوره‌های کوتاه‌مدت برای گروه‌هایی با منابع محدودتر اقتصادی جذاب‌ترند، چراکه هزینه و تعهد زمانی کمتری دارند. همچنین، دمیرچی و وفایی [۷] نیز به مزایای اقتصادی کوتاه‌مدت بودن دوره‌ها برای مخاطبان تأکید داشته‌اند. این همسویی میان داده‌های پژوهش حاضر و پیشینه تحقیق، تأکیدی دوباره بر این موضوع است که ساختار هزینه‌ای دوره‌های هنری نه تنها در دسترسی، بلکه در نوع مشارکت فرهنگی تأثیر مستقیم دارد.

از دیگر نکات قابل تأمل در یافته‌های این پژوهش، عدم تفاوت معنادار میان دو گروه شرکت‌کننده در نگرش آن‌ها نسبت به هنر سفالگری است. در حالی که انتظار می‌رفت نگرش مثبت‌تر به این هنر در گروه دوره‌های بلندمدت دیده شود، اما داده‌ها نشان می‌دهند که نگرش به هنر سفالگری میان گروه‌ها تقریباً مشابه است و همبستگی معناداری با دیگر متغیرهای مستقل همچون سرمایه فرهنگی و اجتماعی ندارد. این یافته، چالش قابل توجهی برای مدل‌های تبیین رفتار مشارکت هنری ایجاد می‌کند، چراکه به نظر می‌رسد نگرش نسبت به هنر، به مثابه یک مؤلفه روان‌شناختی، مستقل از عوامل بیرونی شکل می‌گیرد. مطالعه حسین‌زاده و همکاران [۱۸] نیز مؤید این نکته است که انگیزه‌ها و درک فردی از هنر بیش از آن‌که از ساختارهای اجتماعی یا اقتصادی نشئت بگیرد، برآمده از تجربه‌های زیسته و عوامل درونی است. در نتیجه، نگرش هنری ممکن است در زمره مؤلفه‌هایی باشد که به‌سختی با برنامه‌ریزی اجتماعی قابل تغییر است و شاید نیازمند ابزارهای مداخله‌ای متفاوت‌تری باشد.

در تحلیل کلی‌تر یافته‌ها می‌توان به ترکیب سه‌گانه سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد. افرادی که سرمایه فرهنگی و اجتماعی بیشتری دارند، معمولاً توانایی مالی لازم برای حضور در دوره‌های بلندمدت را نیز دارا هستند؛ در نتیجه، انتخاب این دسته از دوره‌ها بیش از آن‌که صرفاً به علاقه یا نگرش مرتبط باشد، به زیرساخت‌های ساختاری فرد وابسته است. در این میان، نگرش مثبت به سفالگری، هرچند در میان هر دو گروه دیده می‌شود، اما به‌تنهایی قادر به ایجاد تغییر در نوع انتخاب نیست. به عبارت دیگر، علاقه به هنر اگر با منابع لازم همراه نباشد، الزاماً به مشارکت مؤثر نمی‌انجامد. در پژوهش شکراله‌پورفراغه و همکاران [۲۰] تأکید شده است که آموزش سفالگری می‌تواند خلاقیت را در دانش‌آموزان تقویت کند، اما تأثیر نگرش به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. این نکته خود مؤید خلأی پژوهشی است که در این تحقیق نیز نمایان شده: لزوم توجه هم‌زمان به انگیزه‌های درونی و منابع بیرونی در تبیین رفتار آموزشی هنری.

از زاویه‌ای دیگر، نتایج پژوهش به رابطه میان انتخاب نوع دوره و میزان اثربخشی احتمالی آموزش نیز دلالت دارد. پژوهش‌های حیدری موسی نارنجی و همکاران [۱۹]، صائمیان و احمدوند [۲۲]، و مقامی [۱۷] نشان داده‌اند که دوره‌های بلندمدت به‌طور معمول فرصت بیشتری برای رشد مهارتی، پرورش خلاقیت و اثربخشی آموزشی فراهم می‌آورند. در این شرایط، اگر افرادی با سرمایه فرهنگی و اجتماعی بیشتر به سوی این دوره‌ها جذب شوند، می‌توان نتیجه گرفت که همین منابع به‌صورت غیرمستقیم بر کیفیت نهایی آموزش هنری اثرگذارند. حتی اگر نگرش فرد نسبت به هنر مستقل از این منابع شکل گرفته باشد، اما دسترسی به دوره‌های کیفی‌تر در نهایت بر توسعه هنری فرد اثر خواهد داشت. به بیان دیگر، سرمایه‌های بیرونی در مقام عوامل تسهیل‌گر، بر نتیجه آموزش نقش دارند؛ نه لزوماً از طریق نگرش، بلکه از مسیر مشارکت واقعی.

در این میان، نگرش به هنر را می‌توان همچون متغیری دانست که بیشتر از حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی، از حوزه روان‌شناختی و تجربه زیسته فرد نشئت می‌گیرد. در این صورت، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی اگر صرفاً بر تغییر نگرش تکیه داشته باشند، ممکن است با محدودیت مواجه شوند. در عوض، تمرکز بر فراهم‌آوردن زیرساخت‌های دسترسی، تقویت سرمایه فرهنگی از دوران مدرسه، و گسترش حمایت اجتماعی می‌تواند در نهایت موجب تسهیل انتخاب دوره‌های مؤثر و مشارکت فعال‌تر در حوزه‌های هنری شود.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش بر آن تأکید دارند که انتخاب نوع دوره سفالگری از سوی هنرآموزان نه تنها نتیجه عوامل شخصی، بلکه حاصل تعامل پیچیده‌ای از ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. در این میان، سرمایه فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان متغیرهای کلیدی در گرایش به آموزش بلندمدت ایفای نقش می‌کنند؛ عواملی که هم در مطالعات داخلی و هم خارجی به کرات مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در سوی دیگر، نگرش به هنر سفالگری اگرچه مثبت و در هر دو گروه حاضر است، اما به‌تنهایی عامل تعیین‌کننده‌ای برای انتخاب نوع دوره نیست و از این‌رو، در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی باید به ابعاد گسترده‌تری از زیست‌جهان فردی و ساختارهای اجتماعی توجه شود. ترکیب داده‌ها با پیشینه نظری، ضرورت طراحی سیاست‌های حمایتی، گسترش زیرساخت‌های فرهنگی، و بازنگری در الگوهای آموزش هنری را برجسته می‌سازد تا بتوان هم عدالت فرهنگی را تأمین کرد و هم مشارکت کیفی‌تری را در فرآیندهای آموزش هنرهای سنتی رقم زد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش، مجموعه‌ای از پیشنهادها کاربردی در سه سطح سیاست‌گذاری فرهنگی، برنامه‌ریزی آموزشی و جهت‌گیری پژوهشی قابل ارائه است.

در سطح سیاست‌گذاری فرهنگی، تقویت سرمایه فرهنگی هنرآموزان به‌عنوان عاملی مؤثر در گرایش به دوره‌های بلندمدت پیشنهاد می‌شود. برنامه‌هایی مانند بازدیدهای هدفمند از نمایشگاه‌های صنایع دستی، جلسات نقد و تحلیل آثار هنری، و ترویج مطالعه در حوزه هنرهای سنتی، می‌توانند به تدریج سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و نهادینه‌شده را ارتقا دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود نظام آموزش عمومی در سطوح ابتدایی و متوسطه، جایگاهی جدی برای آموزش هنرهای سنتی قائل شود تا از سنین پایین‌تر، سرمایه فرهنگی در ذهن افراد نهادینه گردد.

از منظر توسعه سرمایه اجتماعی، یافته‌ها نشان دادند که حمایت خانواده، دوستان و شبکه‌های اجتماعی محلی در تصمیم‌گیری هنرآموزان نقش بسزایی دارد. بنابراین، توصیه می‌شود مراکز آموزشی برنامه‌های جمعی‌تری طراحی کنند که خانواده‌ها و دوستان را نیز درگیر فرآیند یادگیری سازند. برگزاری نمایشگاه‌های گروهی، رویدادهای هنری خانوادگی و تشکیل گروه‌های یادگیری مشارکتی می‌تواند حس تعلق اجتماعی و انگیزش درونی هنرآموزان را افزایش دهد. نهادهای محلی، از جمله شهرداری و فرهنگ‌سراها، نیز می‌توانند با حمایت مالی، تبلیغاتی و فضایی از این گونه فعالیت‌ها، مشارکت هنری را نهادینه کنند.

در حوزه مسائل اقتصادی، پیشنهاد می‌شود مراکز آموزشی با همکاری نهادهای حامی مانند شهرداری، وزارت میراث فرهنگی یا نهادهای خیریه، شیوه‌هایی مانند بورس هنری، پرداخت اقساطی شهریه یا تخفیف برای گروه‌های خاص (دانشجویان، زنان سرپرست خانوار، یا افراد کم‌درآمد) را به کار گیرند. بدین ترتیب، موانع مالی که در انتخاب دوره‌های بلندمدت تأثیرگذار هستند، تا حد زیادی کاهش می‌یابد و عدالت آموزشی در حوزه هنر فراهم می‌شود.

از آنجا که نگرش نسبت به هنر، علی‌رغم اهمیتی که دارد، رابطه معناداری با انتخاب نوع دوره نداشته، می‌توان پیشنهاد کرد که مراکز آموزشی دوره‌های پیش‌دوره‌ای یا انگیزشی برگزار کنند. این دوره‌ها می‌توانند کوتاه‌مدت و کم‌هزینه باشند، اما با هدف ایجاد انگیزه در افراد برای ورود به مسیرهای جدی‌تر آموزش طراحی شوند. این راهکار به‌ویژه برای افرادی که سرمایه فرهنگی یا اجتماعی کمتری دارند، می‌تواند نقطه ورود مناسبی به آموزش هنری باشد.

از سوی دیگر، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود که باید در تحلیل نتایج مدنظر قرار گیرند. اول اینکه جامعه

پژوهش محدود به شهر شیراز و تنها به دوره‌های سفالگری اختصاص داشت؛ بنابراین، تعمیم نتایج به سایر هنرها یا شهرها باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین، استفاده از پرسش‌نامه‌های خوداظهاری ممکن است با سوگیری پاسخ‌دهندگان همراه بوده باشد. نبود امکان ردیابی طولی تغییر نگرش و رفتار افراد پس از طی دوره‌های آموزشی نیز مانعی بر تحلیل عمیق‌تر پیامدهای آموزشی بود.

در نتیجه، برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود مطالعات مقایسه‌ای میان شهرهای مختلف یا بین هنرهای متفاوت (نظیر چرم‌دوزی، منبت‌کاری، یا خوشنویسی) انجام گیرد تا نقش زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی گوناگون روشن‌تر شود. همچنین، پژوهش‌های کیفی مانند مصاحبه‌های عمیق یا روش‌های قوم‌نگارانه می‌توانند ابعاد تجربی و زیسته‌تری از انگیزه، نگرش و تصمیم‌گیری هنری را روشن سازند. مطالعات آینده همچنین می‌توانند به تحلیل پیامدهای بلندمدت مشارکت در دوره‌های هنری بپردازند؛ از جمله تأثیر آموزش هنری بر اشتغال، سلامت روان یا هویت فردی. از این رو، پژوهش حاضر نشان داد که سیاست‌گذاری در آموزش هنر، باید از نگاهی چندبعدی برخوردار باشد و همزمان به مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انگیزشی توجه کند؛ تنها در این صورت است که مسیر آموزش هنری می‌تواند پایدار، فراگیر و مؤثر باشد.

## ۵. مراجع

- [۱] یوسفی، رسول، زارع‌خلیلی، فتح‌الله، مقنی‌پور، مجیدرضا، و غروی‌منجیلی، فریبا. (۱۴۰۱). تأثیر طبقه و سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر سلاقی هنری (مورد مطالعه: شهر شیراز). *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۴(۱)، ۱۴۷-۱۶۷. <https://doi.org/10.34785/J016.2022.012>
- [2] Newman, A., Goulding, A., & Whitehead, C. (2013). How cultural capital, habitus and class influence the responses of older adults to the field of contemporary visual art. *Poetics*, 41(5), 456-480. <https://doi.org/10.1016/j.poetic.2013.07.001>
- [3] Jin, H., Jiao, S., Ma, X., & Xia, Y. (2024). Cultural capital as a predictor of school success: Evidence and gender differences in Chinese middle schools. *Humanities and Social Sciences Communications*, 11(1), 1-10. <https://www.nature.com/articles/s41599-024-03382-x>
- [۴] رضایی، محمد، و تشویق، فاطمه. (۱۳۹۲). بازخوانی سنج‌های سرمایه فرهنگی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۲(۱)، ۹-۳۵. <https://doi.org/10.22059/jisr.2013.36575>
- [۵] شاکری، محسن، پوربافرانی، رضا، و هوشی‌السادات، سیدعلیرضا. (۱۴۰۱). مطالعه اثربخشی آموزش‌های مهارتی؛ مورد مطالعه کارآموزان زن مراکز فنی‌وحرفه‌ای نائین. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۱۱(۴)، ۵۹۳-۶۲۰. [https://pma.cfu.ac.ir/article\\_2729.html](https://pma.cfu.ac.ir/article_2729.html)
- [۶] خالدی، محمد، و رفعتی، محسن. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی بر اشتغال. *مهارت‌آموزی*، ۱(۱)، ۷۱-۸۵. <https://sid.ir/paper/255970/fa>
- [۷] دمیرچی، یدالله، و وفایی، مریم. (۱۳۸۴). بررسی اثر کوتاه‌مدت و بلندمدت آموزش حل خلاق مسائل بر فرایند مسأله‌یابی، حل مسأله. *مطالعات برنامه درسی*، ۱۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۹. <https://sid.ir/paper/101143/fa>
- [۸] آل‌رضا، فاطمه، و خانی قریه‌گپی، نوشین. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر شوق خرید محصولات صنایع‌دستی (مطالعه موردی بازار صنایع‌دستی طرقله و شان‌دیز). *دومین همایش بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و توسعه*، تهران. <https://civilica.com/doc/512058>
- [9] Jin, H., Ma, X., & Jiao, S. (2022). Cultural capital and its impact on academic achievement: Sustainable development of Chinese high school students. *Sustainability*, 14(22), 14976. <https://doi.org/10.3390/su142214976>
- [۱۰] گنجی، محمد، و صنعتکار، احسان. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی شهروندان شهر کاشان. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱۲(۲)، ۱۳۵-۱۶۳. <https://sid.ir/paper/1059917/fa>
- [11] Wei, Y. (2025). Social class, cultural capital, and public school art education. *Journal of Social Theory in Art Education*, 44(1), 4. <https://doi.org/10.25892/QWYH-PH24>

- [12] Váradi, J., & Józsa, G. (2023). Factors affecting attendance of and attitudes towards artistic events among primary school children. *Social Sciences*, 12(7), 404. <https://doi.org/10.3390/socsci12070404>
- [۱۳] فاتحی، ابوالقاسم، و اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی شهر شیراز). <https://doi.org/10.22054/qjssd.2013.3305>، ۱۴۵-۱۸۲.
- [14] Basov, N. (2018). Socio-material network analysis: A mixed method study of five European artistic collectives. *Social Networks*, 54, 179-195. <https://doi.org/10.1016/j.socnet.2018.02.003>
- [15] Daykin, N., Mansfield, L., Meads, C., Gray, K., Golding, A., Tomlinson, A., & Victor, C. (2021). The role of social capital in participatory arts for wellbeing: Findings from a qualitative systematic review. *Arts & Health*, 13(2), 134-157. <https://doi.org/10.1080/17533015.2020.1802605>
- [۱۶] محمودی حکمت، یعقوب، عارفی، محبوبه، و فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۹۸). ارزیابی اثربخشی دوره آموزشی «تربیت منش هنرجویان فنی‌وحرفه‌ای» دوره متوسطه بر اساس مدل کرک‌پاتریک. تدریس پژوهی، ۷(۲)، ۱۴۰-۱۱۵. <https://doi.org/10.34785/J012.2019.621>
- [۱۷] مقامی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). ارزشیابی اثربخشی دوره‌های مهارت‌افزایی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی تهران بر اساس مدل کرک‌پاتریک. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱۱(۴۱)، ۱۸۳-۲۰۱. <https://doi.org/10.22054/jem.2021.60818.2179>
- [۱۸] حسین زاده، فاطمه، صاحب‌الزمانی، محمد، نیکنامی، مصطفی و محمد داودی، امیرحسین. (۱۴۰۰). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های اثربخشی دوره‌های کارورزی دانشگاه فرهنگیان. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۵(۲)، ۲۵۴-۲۶۴. [https://www.islamiilife.com/article\\_186872.html](https://www.islamiilife.com/article_186872.html)
- [۱۹] حیدری موسی نارنجی، حسین، و حیدری موسی نارنجی، مریم. (۱۳۹۱). تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر عملکرد تخصصی و اثربخشی شغل‌های مهارتی: مطالعه موردی کارخانجات تولید بدنه خودرو در استان کرمانشاه. مهارت‌آموزی، ۱(۲)، ۴۹-۷۳. <https://sid.ir/paper/255983/fa>
- [۲۰] شکراله‌پور فراغه، مریم، استواری، شهربانو، رخشنده‌ابرقویی، مریم، و شهریار، زهرا. (۱۴۰۰). تأثیر هنر سفالگری بر خلاقیت. <https://civilica.com/doc/1761848> دانش‌آموزان ابتدایی.
- [21] Zhang, W. (2016). Study on pottery-art course teaching in colleges and universities based on regional resource advantage. In *2nd International Conference on Arts, Design and Contemporary Education* (pp. 1639-1642). Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/icadce-16.2016.405>
- [۲۲] صائمیان، مازیار، و احمدوند، علی‌محمد. (۱۴۰۰). ارزیابی اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با رویکرد پویایی سیستم. دومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری، دامغان. <https://civilica.com/doc/1244506>
- [۲۳] راودراد، اعظم، و فاضل، عاطفه. (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی مؤثر بر تبدیل سفال از "صنعت" به "هنر" در ایران. بازیابی شده از <https://civilica.com/doc/1636939>
- [24] Basov, N., Lee, J. S., & Antoniuk, A. (2016). Social networks and construction of culture: A socio-semantic analysis of art groups. In *International Workshop on Complex Networks and their Applications* (pp. 785-796). Cham: Springer International Publishing. [https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-50901-3\\_62](https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-50901-3_62)